

## موقعیت‌سازهای شریعتمدارانه هرمنوتیکی در سیاست‌گذاری فرهنگی

### جمهوری اسلامی ایران

حسین پرکان\*

آرزو نیکوییان\*\*

#### چکیده

روح حاکم بر اسناد بالادستی نظام، تأکید بر شریعت اسلام و جهت‌دهی به سمت حکومت و جامعه اسلامی است. لیکن با وجود تأکید کلی اسناد بالادستی بر شریعتمداری، در عمل به سبب اینکه این معنا در طبقات پسینی، جریان نیافته، اقسام رویارویی‌ها و سرگشتگی‌ها، سیاست‌گذاران فرهنگی را آزار می‌دهد.

ثمره موضوع‌گیری سیاست‌گذار، چیزی جز موقعیت‌ساز هرمنوتیکی نیست و دریافت‌های پسینی وی تحت تأثیر این‌گزینه‌هاست. شماری از موقعیت‌سازها کلیدی هستند و با هرگزینش، سلسله‌ای از موقعیت‌های هرمنوتیکی ایجاد خواهد شد.

در این پژوهش با بهره‌گیری از استراتژی تحلیل مضمون، موقعیت‌های تقابلی در حیطه شریعتمداری، مبتنی بر شش منبع مختلف استحصال و نیز با استفاده از روش ISM، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی حاوی: «تعبد و تعقل در فهم شریعت»، «رابطه همسازی اخلاق و فرهنگ یا رابطه آمرانه اخلاق و فرهنگ؟»، «فقه فردی و فقه حکومتی»، «هنر ارزشی و هنر عام»، «حدود و ثغور شادی حقیقی و لهو و لعب» و «تقابل در اجباری یا غیراجباری بودن حجاب» مشخص و تبیین شده است. در انتها اهم مسائل هرمنوتیکی در حیطه شریعتمداری بررسی شده است.

واژگان کلیدی: موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی، سیاست‌گذاری فرهنگی، شریعتمداری.

### ۱. مقدمه

موقعیت‌های تقابلی در حیطه شریعت‌مداری مجموعه‌ای هستند که امکان تحلیل وقایع و پیشامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در این حیطه از جهت فرهنگی فراهم می‌آورد. در حقیقت به سبب وجود این موقعیت‌های تقابلی و التواء جوامع و فرهنگ‌ها، سیاست‌گذاران با طیف‌های مبسوطی از آویختگی‌ها روبه‌رو هستند که مستلزم گزینش مأوای روشن و یکپارچه نسبت به آنها جهت پیشبرد امور است.

سیاست‌گذاری محتاج انتخاب‌های شفاف و اکثراً متعسر است و از نظر به این که سیاق مناسب و خوشایند فعلی در کجاست و به کدامیک از اطراف موقعیت‌های تقابلی رغبت دارد، پروایی نداشته است (Matarasso and Landry, 1999).

### ۲. بیان مسئله و ضرورت تحقیق

هر کس در جایگاه یک سیاست‌گذار فرهنگی و غیر آن، علی‌ال‌تصال از جهان ذهنی، منظرگاه، گرایش‌ها، پیش‌دانسته‌ها، وابستگی‌ها، چشم‌داشت‌ها و مواردی از این قبیل برخوردار است که آن را موقعیت هرمنوتیکی وی می‌گویند (واعظی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸).

هر موقعیت هرمنوتیکی، خود جزء اهم اسباب صورت‌پذیری سایر موقعیت‌های هرمنوتیکی است. این فعل و انفعال، مدام به شکل متواتر دنباله‌دار است. در حقیقت، هر موقعیت هرمنوتیکی، خود موقعیت‌ساز هم هست.

شماری از موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی، کلیدی است و با هر گزینش در آنها، سلسله‌ای از موقعیت‌های هرمنوتیکی ایجاد خواهد شد. چنانچه گزینش انتخاب‌های دیگر، منجر به ایجاد سلسله‌ای از موقعیت‌های هرمنوتیکی دیگر خواهد شد.

در اینجا لازم است به این نکته توجه شود که کلمه «موقعیت هرمنوتیکی»، پهنه وسیع و عوامل عدیده دارد (ر.ک: واعظی، ۱۳۹۳). در این پژوهش، قلمروی ویژه‌ای از موقعیت هرمنوتیکی مورد عنایت است و آن، چیزی غیر از «موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در حیطه شریعت‌مداری» نیست. باز شدن افق‌ها به فراخور هر موقعیت‌ساز، منتهی به تحدید در ادراک و دریافت دیگر افق‌های تقابلی است. این مبحث، ممکن است اهم عوامل تکوّن اصناف، گونه‌ها و ائتلافات سیاسی و فرهنگی باشد که به‌طور کلی از فهم صواب هم‌دیگر ناتوان هستند.

فقدان معرفت به موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی و نیز اهتمام نداشتن به جهت‌گیری روشن و همساز، دارای مخاطراتی است که از آن جمله عبارتند از:

۱. مخاطره‌بازشناسی ناصواب اسباب عمده و راستین تعاندات و دشواری‌ها؛
۲. مخاطره افتراق در وهله‌های متفاوت سیاست‌گذاری؛
۳. مخاطره جانشینی مشترکات سیاست‌گذاران با اولویت‌ها؛
۴. مخاطره ناهمسازی و ناسازگاری در سیاست‌گذاری در حیطه شریعتمداری.

### ۳. پیشینه تحقیق

مسائل و صدمات موجود سیاست‌گذاری فرهنگی در حیطه شریعتمداری، دلواپسی مداوم سیاست‌گذاران بوده است. در این عرصه کتاب‌ها و مقالات عدیده‌ای یافت می‌شود که به آسیب‌شناسی و ارائه رویارویی‌ها از زوایای متفاوتی همانند موارد زیر پرداخته‌اند:

الف) گستره شریعت: مواردی همچون مقاله «رویکردهای گستره شریعت» (خسروپناه، ۱۳۸۱)، مقاله «دین اقلی و اکثری» (سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۷)، کتاب بسط تجربه نبوی (سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۸)، کتاب رابطه منطقی دین و علوم کاربردی (پیروزمند، ۱۳۹۳) و مقاله «گستره شریعت» (علیدوست، ۱۳۸۳)؛

ب) عرفان و شریعت: مواردی همچون کتاب معنویت تشیع (بدیعی، ۱۳۸۵)، مقاله «عرفان شریعت‌گرا و شریعت‌گریز» (حسینی، ۱۳۸۷) و مقاله «جایگاه شریعت در قلمرو عرفان» (یثربی، ۱۳۸۴)؛

ج) فقه و شریعت: آثاری همچون مقاله «جایگاه فقه در اندیشه دینی» (تقوی، ۱۳۷۴) و مقاله «فقه و مقاصد شریعت» (علیدوست، ۱۳۸۴)؛

د) عقل و شریعت: آثاری همچون مقاله «شریعت عقل» (سیدعرب، ۱۳۷۷)، مقاله مسعود امامی (۱۳۸۵)، با موضوع «جدال تعبد و تعقل در فهم شریعت» و فقه و عقل (علیدوست، ۱۳۸۱)؛

ه) هنر و شریعت: مواردی همچون مجموعه مقالات فقه هنر (نواب و همکاران، ۱۳۹۵)، گفتگوی علمی «جایگاه هنر در گستره شریعت» (صادقی رشاد و دیگران، ۱۳۸۱)، کتاب پژوهشی در غنا (از نگاه قرآن و روایات تفسیری) (یوسفی مقدم، ۱۳۹۱)، مجموعه مطالب «موسیقی در برزخ»، ماهنامه رسا؛ اندیشه حوزه علمیه عصر انقلاب (۱۳۹۵) و کتاب فقه قرائت (فقه ادا و فقه موسیقی ادا) (یوسفی مقدم، ۱۳۹۶)؛

و) شریعت و مصلحت: آثاری همچون کتاب مبانی، ضوابط و جایگاه مصلحت در اسلام (بوطی و رمضان، ۱۳۸۴)، مقاله «مصلحت و شریعت» (یوسفی نژاد، ۱۳۸۶) و مقاله «شریعت و مصلحت» (فاضل میبیدی، ۱۳۷۶)؛

ز) شریعت و حکومت: آثاری همچون کتاب اقتصادنا (الصدر، ۱۴۱۱ق)، مقاله «سیاست شرعیه یا تدابیر حکومت اسلامی» (کمالی و همکاران، ۱۳۸۱)، مقاله «گونه‌شناسی ارتباط دین و سیاست در اندیشه سیاسی شیعه» (حقیقت، ۱۳۸۳)، مقاله «فقه حکومتی» (مهریزی، ۱۳۸۹)، کتاب فقه الاداره، ج ۱ و ۲، اثر سیدصمصام‌الدین قوامی (۱۳۹۴)، مقاله «شریعت، قانون، جوانان» (فخار طوسی، ۱۳۸۰)، کتاب دین و دولت در اندیشه اسلامی، اثر محمد سروش (۱۳۷۸) و کتاب دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه (منتظری، ۱۴۰۸ق)؛

ح) شریعت و حجاب: آثاری همچون مقاله «حجاب عقلانی و عقلانیت حجاب» (ره‌دار، ۱۳۸۸)، مقاله «کتابشناسی حجاب» (جعفریان، ۱۳۸۰) و مقاله «حجاب، شریعت، جامعه» (گودرزی، ۱۳۸۶)؛

و) اخلاق و شریعت: آثاری همچون جلد دوم کتاب اخلاق در قرآن، اثر محمدتقی مصباح یزدی (۱۳۹۷) و مقاله «رابطه فقه و اخلاق و طرح دیدگاه امام علیه السلام»، اثر جواد فخار طوسی (۱۳۹۶).

در آثار مذکور، تمایل سیاست‌گذارانه مشاهده نمی‌شود و نیز آهنگ هرمنوتیکی و آنچه که سیاست‌گذاران در وهله قبلی نسبت به این امر در ذهن خویش به شکل پیش‌فرض دارند، سوژه‌ای یافت نشد. همچنین در این آثار، به یک یا چند چالش یا موضوع پرداخته شده است و نگارندگان، دیدگاه جامعی نسبت به مسائل و ارتباط و اولویت‌بندی آن ندارند. در پایان، مداخل در تصمیم‌گیری‌های کلان و سرگشتگی‌ها در وهله‌های متفاوت سیاست‌گذاری در حیطه شریعتمداری، نامشخص و ناپیدا است.

مبتنی بر تشریحی که صورت گرفت، زوایای نادیده و ابتکاری این پژوهش عبارت است از:

۱. بازشناسی و دریافت مستوفای موقعیت‌های تقابلی سیاست‌گذاری در حیطه شریعتمداری؛
۲. فصل‌بندی موقعیت‌های تقابلی سیاست‌گذاری در حیطه شریعتمداری؛
۳. بازشناسی و تشریح کلیدی‌ترین موقعیت‌های تقابلی سیاست‌گذاری در حیطه شریعتمداری.

#### ۴. چارچوب مفهومی پژوهش

مبحث سیاست‌گذاری فرهنگی، دارای پهنه وسیعی است که فرصت اعتنا به تمامی زوایای آن در اینجا نیست. بنابراین به اختصار مفاهیم «فرهنگ»، «سیاست‌گذاری فرهنگی»، «موقعیت هرمنوتیکی»، «موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی»، «موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی» و «شریعت» تبیین خواهد شد.

#### ۴-۱. معنای فرهنگ

فرهنگ مطمح این پژوهش برابر پدیده‌ای فهم می‌شود که به‌طور کامل از آنچه که به‌عنوان «راه و رسم زندگی» یاد می‌کند، متفاوت‌تر و مجردتر است و به رویارویی با امور برخوردار از نظام اجتماعی، پدیده‌های مادی و تکنولوژیکی راغب است. فرهنگ در این تحقیق، به‌مثابه گستره امر فکری، معنوی و غیرمادی مورد نظر است و به‌عنوان حیطة نظام‌مند باورها، ارزش‌ها، نمادها، نشانه‌ها و گفتمان‌ها فهمیده می‌شود.

این تحقیق، بر استقلال فرهنگ تأکید دارد و اهتمام بر این است حتی‌الامکان به لحاظ ارزشی خنثی و فاقد سوگیری باشد. واکاوی حوزه فرهنگ فراتر از هنرها است و بر تمامی زوایا و لایه‌های زندگی اجتماعی ساری است. از این‌رو دیدگاه غالب نسبت به فرهنگ در این پژوهش، دیدگاهی غیر از دیدگاه فیلیپ اسمیت نیست (اسمیت، ۱۳۸۳، ص ۱۵-۱۷).

#### ۴-۲. سیاست‌گذاری فرهنگی

قصد این پژوهش در واکاوی نظام سیاست‌گذاری فرهنگی در حیطة شریعت‌مداری، براساس تعاریفی که شافریتز و بریک (۱۳۹۰، ص ۴۲)، کوچران و ملون (Cochran and Malone, 2005, pp5-6) و دای (Dye, 2013, p3) از سیاست ارائه کرده‌اند، بررسی چگونگی ورود یا عدم ورود دولت در حیطة شریعت‌مداری و نیز واکاوی اندازه و شیوه حضور آن است.

الگوهای عدیده‌ای در سیاست‌گذاری عمومی و سیاست‌گذاری فرهنگی موجود است که بهره‌برداری از هرکدام، موقعیت‌های تقابلی ویژه‌ای را به دنبال دارد. نام بعضی از این الگوها که در این پژوهش در استحصال موقعیت‌های تقابلی استفاده شده عبارتند از: خط مشی عقلانی: خط مشی به‌مثابه حداکثر دستاورد اجتماعی، گروهی: خط مشی به‌مثابه ثمره تعادل و تعامل بین گروه‌ها، فرایندی: خط مشی‌گذاری به‌مثابه فعالیت سیاسی، نخبگان یا طبقات بانفوذ، بازی: خط مشی‌گذاری به‌عنوان انتخابی عقلایی در شرایط رقابتی، انتخاب عمومی، مدل نهادی: خط مشی به‌مثابه یک بازده نهادی (Dye, 2013, pp12-28)، تغییرات جزئی تدریجی: خط مشی به‌مثابه اعمال تغییرات در فعالیت‌های گذشته، واکاوی تلفیقی: ترکیب دو مدل، مدل سطل زباله تصمیم‌گیری در شرایط مبهم و نامنظم (هاولت، رامش و پرل، ۱۳۹۴، ص ۲۶۳-۲۷۳)، مدل رضایت‌بخش (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۳۹-۴۱)، سیستمی: خط مشی به‌عنوان بازده سیستم (Shafritz and Borick, 2008, p15)، الگوی واقع‌گرا (Mayers and Bass, 2004, p35)، الگوهای بازار و دولتی (مک‌گوییگان، ۱۳۸۸ و فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲، ۲۰۷-۲۵۷)، الگوی نخبه‌گرا (پارسونز، ۱۳۸۵، ص ۷۰ و بنیانیان، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴-۱۲۵)، الگوهای ماتریسی، کلان‌نگر و خردنگر (حاجیان، ۱۳۹۱،

ص ۵۷، ۶۰-۶۲ و ۱۳۸)، الگوهای اقتدارگرا، دموکراتیک و جامعه‌گرایانه (غلامرضا کاشی، ۱۳۸۲، ص ۵۱-۶۹)، الگوی آرمانشهرگرا یا آرمان‌گرا (خاشعی، ۱۳۹۰، ص ۴۰)، الگوی توسعه‌گرا (بهادری، ۱۳۷۶، ص ۲۳)، الگوی شریعتمدارانه (کاوسی و چاوش‌باشی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۸-۲۲۵)، الگوی ذهن‌گرا (اشتریان، ۱۳۹۱، ص ۶۵)، الگوی راهبردی یا مدیریت استراتژیک فرهنگی (طبرسا، ۱۳۸۲، ص ۹۵)، الگوی تکثر و حقوق فرهنگی (پهلوان، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹-۲۰۷) و الگوی وحدت در کثرت (صالحی امیری و حیدری‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸-۱۳۱).

#### ۴-۳. هرمنوتیک و انعکاس آن در سیاست‌گذاری فرهنگی

تاکنون، تعاریف زیادی از هرمنوتیک صورت گرفته است (Palmer, 2000, p33) لیکن متناسب با موضوع این تحقیق، می‌توان تعریف پل ریکور را مبنای مباحث قرار داد. تعریف وی از هرمنوتیک در مقدمه مقاله «رساله هرمنوتیک» این است: «هرمنوتیک نظریه عمل فهم است در جریان روابطش با تفسیر متون» (به نقل از واعظی، ۱۳۹۳، ص ۲۸-۲۹). با نظر به اینکه وی، علاوه بر پرداختن به مطلق فهم، آن را به حیطه عملیات فهم هم وارد کرده و جریان رابطه فهم با تفسیر متن را نقطه ثقل تعریف قرار داده، این تعریف به‌عنوان تعریف مختار این مقاله قرار گرفته است. در حقیقت موضوع این تحقیق شامل چیزهایی است که عملیات ادراک سیاست‌گذار فرهنگی را متأثر کرده و موجد جریاناتی در تفسیر فرهنگ به‌عنوان متن است. از این رو بحث‌های فلسفی فهم و قواعد و شیوه‌های تفسیر متن موضوع این تحقیق نیست.

گستره‌ای که ریکور برای فحوای متن ایجاد کرده، منتهی به توسعه بیشتر حیطه هرمنوتیک شده و آن را با حوزه‌ها و رشته‌های زیادی همچون سیاست‌گذاری فرهنگی مرتبط می‌سازد. طی کردن هر وهله از فرایند سیاست‌گذاری، مستلزم امر ترجمه یا تفسیر است. ریکور (۱۳۹۳) در رابطه با ترجمه و دشواری‌های آن، مباحث مهمی را ارائه کرده که فقدان التفات به آن، مستوجب کژی در روندهایی مانند ترجمه یا سیاست‌گذاری است.

بنیان برخی از مسائل و سرگشتگی‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در حیطه هرمنوتیک یافته می‌شود. مسائلی همچون: تمایز و تفاوت در تفاسیر و خوانش سیاست‌ها، اسناد فرادستی و متون دینی، تأثیرات مدام و تغییرپذیر تاریخ و زمان در ذهنیت‌ها، مشروعیت و اجازت به ذهنیت‌ها در بازشناسی مسائل فرهنگی و تأثیر سیاست‌گذاران از چشم‌داشت‌ها، معرفت‌ها و پیش‌داوری‌های خویش.

#### ۴-۴. موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی

در این پژوهش مفاهیم «افق هرمنوتیکی» و «موقعیت هرمنوتیکی» از گادامر (۲۰۰۴) وام گرفته شده و در بستری مختلف از آنچه که گادامر استفاده کرده، استعمال شده است. عرصه‌ای که گادامر از مفهوم «موقعیت هرمنوتیکی» بهره‌جسته مرتبط با تمامی صور فهم است، لیکن در این پژوهش، استفاده از آن در خصوص یک اقدام یا همان سیاست‌گذاری فرهنگی است که این نیز براساس دریافتی از فرهنگ است که خود متأثر از عناصر موقعیت‌ساز هرمنوتیکی است.

از این‌رو اصطلاح «موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی» قابل‌جعل است. در حقیقت «موقعیت‌ساز هرمنوتیکی»، مقامی است که مفسر را در موقعیت‌های تازه‌ای مستقر می‌نماید. مستغنی از اینکه مفسر آن مأوای برمی‌گزیند یا نه، یا در این‌گزینه‌ها یا عدم‌گزینه‌ها، معرفت دارد یا نه؟ در هر صورت، رویارویی با متن مفسر را با موقعیتی تازه مواجه می‌کند که منبعث از «موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی» است.

جنس موقعیت‌ساز هرمنوتیکی از متعلق معرفت است. یعنی آن گروه از مسائل و پرسش‌های مهمی که بر خورداری از جایگاه و تمایل و سنخ معرفت نسبت به آنها ممکن است در دریافت‌ها و تعبیرها مؤثر باشد. موقعیت‌ساز هرمنوتیکی به همه آن پدیده‌هایی گفته می‌شود که با آن موقعیت‌های هرمنوتیکی ایجاد می‌شوند. موقعیت هرمنوتیکی در مفهوم فراگیر آن حاوی افکار متواتر، عواطف و آموخته‌های خودآگاهانه یا ناآگاهانه است که عمر ذهنی فرد را تشکیل می‌دهند (اقتباس از سرل، ۱۳۸۲، ص ۱۶).

قبل از استقرار فهم در قالب معرفت نظری و دانش منظم، دریافتی به وسیله فرد صورت می‌گیرد که مقصود از موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی، چنین ادراک یا موقعیت پیشین است که فراتر از قالب‌های شناخته شده است (اقتباس از واعظی، ۱۳۹۳، درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۱۵۸-۱۶۷). همچنین به نظر می‌آید در صورت‌پذیری موقعیت‌های هرمنوتیکی، همه موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی انسان مداخله ندارند، بلکه تنها زیرمجموعه منتخبی از آن دخیل هستند. از این‌رو این افراز و انتخاب، با آن قسمت منتخب موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی مؤلف که در ایجاد متن، مؤثر بوده است فرقی نخواهد داشت (اقتباس از همان، ص ۲۰۳-۲۰۴).

کلیدی بودن، الزاماً منبعث از ژرفای فعل و انفعال نیست، بلکه ممکن است ناشی از وسعت آن باشد. موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی، موقعیت‌هایی هستند که تعداد زیادی از موقعیت‌ها، تابع آن هستند و استقرار در آن، لزوماً همراه با موقعیت ویژه‌ای برای فرد است. موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی، اسباب اصلی از نوع پیش‌فرض و تفسیری هستند که

عمده تأثیرات را در ابهام‌آفرینی و ایجاد سرگشتگی در سیاست‌گذاری فرهنگی دارند. چنانچه در گزینش نسبت به کلیدی بودن میان دو موقعیت‌ساز ارتیاب حاصل شود، آن موقعیت‌سازی که مسبب موقعیتهای تقابلی فزون‌تری است و با تدبیر آن، موقعیت‌های فزون‌تری را می‌توان تمشیت کرد، کلیدی‌تر است.

#### ۴-۵. شریعت

«شریعت» در لغت به معنای درگاه و سردر ورودی و نیز به معنای آبشخور و موقعیتی که بدون طناب از آن آب نوشیده می‌شود آمده است (المعجم الوسیط، ۱۳۹۷، ص ۴۷۹) و به مجموعه مسائل دینی اعم از عقاید و اخلاق و احکام نیز «شریعت» گفته می‌شود از این جهت که مایه حیات و طهارت کسانی است که آن را بپیمایند و سلوکی هماهنگ با آن داشته باشند (راغب اصفهانی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۸). البته در اصطلاح فقها و کتاب‌های فقهی و تعبیراتی نظیر «شرایع الاحکام» خصوص احکام فرعی عملی از آن اراده می‌شود که در این صورت کاملاً مرادف با معنای اصطلاحی «فقه» است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷، ص ۴۳).

شریعت از نظر مفهومی اخص از دین است؛ زیرا شریعت عبارت است از راه و روشی ویژه برای امتی یا پیامبری؛ در حالی که دین عبارت است از روش عام الهی نسبت به تمامی امت‌ها؛ از این رو، شریعت قابل نسخ است؛ اما دین به این معنا نسخ‌پذیر نیست (طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۳۵۰). کتاب خدا (قرآن) و سنت دو منبع اصلی شریعت‌اند که مجتهدان به جهت به دست آوردن احکام و تکالیف شرعی به آن دو رجوع می‌کنند (ویکی فقه، شریعت، ۱۳۹۷). همچنین زمام تشریح احکام و تکالیف بندگان به دست خداوند است که پیامبران از طریق وحی آن را دریافت و به مردم ابلاغ می‌کنند (همان).

#### ۵. روش تحقیق

براساس مناظر هفت‌گانه پژوهش (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۴-۵)، الگوواره این پژوهش، تفسیری، گرایش آن نظری، رویکرد آن استقرایی، سنخ آن کیفی، نحله آن کتابخانه‌ای و میدانی و راهبرد آن تحلیل مضمون است. همچنین به منظور تدوین داده‌ها از مصاحبه، مشاهده میدانی و واکاوی اسناد و مدارک استفاده شده است.

در تحلیل مضمون، ابتدا موقعیت‌سازها در سیاست‌گذاری فرهنگی در حیطه شریعت‌مداری مبتنی شش منبع شامل: ۲۱ دوره‌ی سیاست فرهنگی شورای اروپا، اسناد بالادستی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، گفته‌ها و نظرات اکابر، برنامه‌ها و رویکردهای عملیاتی، گفتمان‌های



سیاست‌گذاری فرهنگی و الگوهای سیاست‌گذاری، استحصال گردیده و آنگاه با استعمال روش ISM<sup>۱</sup> اقدام به واکاوی شبکه تعاملات موقعیت‌های تقابلی و نیز سطح‌بندی آنها شده است. تحلیل مضمون، سیاقی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، داده‌های پراکنده و گوناگون را به داده‌های غنی و تفصیلی مبدل می‌کند (Braun and Clarke, 2006, p82).

تحلیل مضمون سیاقی جهت دیدن متن؛ برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب؛ تحلیل اطلاعات کیفی؛ مشاهده سیستماتیک شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی است (Boyatzis, 1998).

در این مقاله، با التفات به نقش‌آفرینی موقعیت تقابلی در سیاست‌گذاری فرهنگی، بر مبنای نقش مضمون در تحلیل (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹) از چهار سنخ مضمون «موقعیت‌های تقابلی»، «موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی»، «موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی» و «حوزه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی» استفاده شده است.

مضامین یا الگوهای موجود در داده‌ها را می‌توان به روش استقرایی و روش قیاسی بازشناسی کرد (خنیفیر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۵۸) که در این مقاله از روش استقرایی استفاده شده است. در استراتژی استقرایی، محقق بایستی امعان داشته باشد که بینش وی با اندیشه‌های از پیش تصور شده آلوده نشود (Medawar, 2013, p40).

روش ISM یک روش ساختار تفسیری است که در این سیاق، ابتدا به بازشناسی عوامل تأثیرگذار و اساسی پرداخته و سپس با استفاده از روشی، روابط بین این عوامل و طریق دستیابی به پیشرفت توسط این عوامل مطرح شده است. روش ISM با تجزیه معیارها در چند سطح متفاوت به تحلیل رابطه بین شاخص‌ها می‌پردازد. مدل‌سازی ساختار تفسیری قادر است رابطه بین شاخص که به صورت تکی یا گروهی به یکدیگر وابسته‌اند، را تعیین کند (Kannan, and Kumar, 2009, pp28-36). روش ISM دارای این‌آوند است که به منظور تجزیه و تحلیل رابطه بین خصوصیت‌های چند متغیر که برای یک مسئله تعریف شده‌اند، استفاده شود (Warfield, 1974, pp81-87). مدل‌سازی ساختاری-تفسیری در بازشناسی روابط درونی متغیرها کمک می‌کند و می‌تواند به اولویت‌بندی و تحلیل تأثیر یک متغیر بر متغیرهای دیگر باشد (آذر و بیات، ۱۳۸۷، ص ۸). از این‌رو در این پژوهش می‌تواند به اولویت‌بندی و تعیین سطح موقعیت‌های تقابلی و نیز تعیین موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی کمک کند.

### ۶. دستاوردهای پژوهش

این تحقیق با تکیه بر روش تحلیل مضمون و سپس با کاربست روش ISM در ۱۱ مرحله، موقعیت‌سازهای کلیدی هر منوتیکی در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حیطه شریعت‌مداری استحصال و صورت‌بندی شده است که فهرست اقدامات یازده‌گانه به شرح جدول زیر است (نک: پرکان، ۱۳۹۷، فصل سوم):

ردیف	اقدام	توضیح
۱	استخراج موقعیت‌های تقابلی اولیه	مبتنی بر شش منبع مذکور تا مرز کفایت داده، موقعیت‌های تقابلی استخراج شده است.
۲	تنقیح و تهذیب موقعیت‌های تقابلی	استخراج فهرست نهایی با انجام مصاحبه و مباحثه با برخی از صاحب‌نظران
۳	دسته‌بندی اولیه مفهومی موقعیت‌های تقابلی	به علت شمار فراوان رویارویی‌ها، دسته‌بندی اولیه مفهومی تقابل‌ها با بهره‌گیری از نظرات اهل فن و با توجه به شاخص‌هایی همانند بایستگی مفاهیم، تقدم یا اولویت ذهنی مفاهیم، فراگیر یا ریشه‌ای بودن مفاهیم و وابستگی طولی آنها صورت گرفته است.
۴	صورت‌پذیری ماتریس خودتعاملی ساختاری	واکاوی ارتباطات بین گونه‌های رویارویی‌ها در درون و بین دسته‌ها، به شکل روابط از جنس همبستگی و وابستگی عرضی و از جنس همبستگی و وابستگی طولی. همچنین در نظر گرفتن معیارها به صورت زوجی با یکدیگر و پاسخگویی به مقایسات زوجی. در این مطالعه روابط بین موقعیت‌های تقابلی با استفاده از ارتباط معنایی «منتهی به سرگشتگی در» تحلیل شده است. ماتریس مربوطه به‌عنوان ورودی تکنیک ISM محسوب می‌شود (نک: فیروزجانیان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹-۱۵۹).
۵	عملیات آماری بر روی شبکه ارتباطی موقعیت‌های تقابلی	ماتریس دریافتی در این مرحله از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک به دست می‌آید. در ماتریس دریافتی درایه‌های قطر اصلی برابر یک قرار می‌گیرد و یک «ماتریس دستیابی اولیه» به دست می‌آید (نک: همان) بدون آنکه به دنبال علل تام یک موقعیت هرمنوتیکی باشیم. بنابراین از روش ISM استفاده شده است.
۶	رتبه‌بندی و مقایسه داده‌های آماری شبکه ارتباطی موقعیت‌های تقابلی	مبتنی بر داده‌های آماری، موقعیت‌های تقابلی، به صورت نزولی از حداکثر به حداقل مرتب شده است.
۷	سطح‌بندی موقعیت‌های تقابلی مبتنی بر قاعده پارتو	سطح‌بندی موقعیت‌های تقابلی مبتنی بر روش ISM مبتنی بر اشتراک روابط دوسویه است (نک: کرباسیان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵). این در حالی است که تقریباً تمام روابط بین موقعیت‌های تقابلی، دوسویه است. از این‌رو از روش پارتو به منظور سطح‌بندی استفاده شده است. در این مرحله، تقابل‌ها به نحوی گزینش شدند که ۸۰ درصد روابط را حاوی شود و مضامین اولیه، یا همان موقعیت‌های هرمنوتیکی اولیه استخراج شد.
۸	رتبه‌بندی و واکاوی موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی	واکاوی مضامین اولیه مستخرج در مرحله هفتم، مبتنی بر دسته‌بندی مذکور در مرحله سوم و مرتب‌سازی تقابل‌ها به شکل جداگانه در هر دسته
۹	استحصال یا گزینش موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی	در هر دسته، مبتنی بر اطلاعات آماری، تحلیل مفاهیم و قرابت معنایی و نیز دیگر شاخص‌های مربوطه مضامین اصلی یا همان موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی استخراج شد.
۱۰	سازمان‌دهی یا گروه‌بندی موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی	مضامین سازمان‌دهنده، جنبه رویارویی نداشته و دیگر مضامین مرتبط با حیطه شریعت‌مداری در هفت حوزه دسته‌بندی شده است.
۱۱	ترسیم و صورت‌بندی نهایی شبکه تعاملات	صورت‌بندی شبکه تعاملات مبتنی بر حوزه‌ها (مضامین سازمان‌دهنده)، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی (یا همان مضامین اصلی)، موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی (سایر مضامین اولیه) و نیز موقعیت‌های تقابلی (یا همان کدهای اولیه)

فهرست نهایی حوزه‌ها، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی، موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی و نیز موقعیت‌های تقابلی در زیر ارائه شده است.

## ۱. شریعتمداری

- ۱-۱. رابطه همسازی اخلاق و فرهنگ یا رابطه آمرانه اخلاق و فرهنگ
- ۱-۱-۱. چارچوب فقهی یا چارچوب اخلاقی در حل مسائل فرهنگی
  - الف) نظام سلسله مراتبی یا نظام برابر
  - الف-۱) جوان‌گرایی یا تجربه‌گرایی در مدیریت
  - ب) هنجار و قانون در مدیریت اجتماعی
  - ج) اخلاق فردی یا اجتماعی
  - ۱-۱-۲. میزان رابطه فرهنگ و نظام ارزشی
    - الف) نگاه بازاری یا ارزشی
    - ۱-۲-۱. فقه فردی و فقه نهادمحور
    - ۱-۲-۲. مصلحت نظام یا احکام شرع
    - ۱-۳-۱. هنر ارزشی و هنر عام
    - ۱-۳-۲. فرهنگ به مثابه هنر یا راه زندگی
    - الف) هنر به مثابه کالای عمومی یا به مثابه فعالیتی مشروط
      - ۱-۴-۱. حدود و ثغور شادی حقیقی و لهو و لعب
      - ۱-۴-۲. توسعه موسیقی یا تحدید موسیقی
      - الف) موسیقی یک مسئله فرهنگی یا سیاسی
      - ۱-۵-۱. تقابل در اجباری یا غیراجباری بودن حجاب
        - ۱-۵-۱-۱. مسئله بودگی بی‌حجابی
        - الف) امنیتی یا فرهنگی بودن مسئله حجاب
        - الف-۱) تقابل در واگذاری مدیریت حجاب و عفاف به سیستم‌ها یا زیست‌جهان خانواده
          - ۱-۶-۱. تعبد و تعقل در فهم شریعت
          - ۱-۶-۲. لزوم حضور حوزه در تدوین سیاست‌ها
          - ۱-۶-۲-۱. شأن اجرایی یا شأن نظارتی روحانیت
          - ۱-۶-۳. حکومت بر مبنای فقه یا علوم و معارف روز
          - ۱-۶-۴. حکومت در عصر غیبت

- الف) استقلال یا وابستگی حوزه به حکومت  
 ب) هدف از طلبگی
۲. عرفی‌گرایی یا سکولاریزیم
- ۱-۲. عقلانیت معطوف به هدف یا عقلانیت معطوف به ارزش‌ها
- ۱-۱-۲. اولویت معرفت یا معیشت؟
- ۲-۲. اقتصاد اسلامی یا سکولار
- ۱-۲-۲. ربوبی یا غیرربوبی بودن بانکداری در جمهوری اسلامی
- ۲-۲-۲. مستکبر یا کارآفرین
- ۳-۲-۲. تضاد یا قابل جمع بودن زهد و سیاست برای روحانیون
- ۳-۲. دنیاگرایی یا آخرت‌گرایی
- ۱-۳-۲. منشأ فرهنگ، افاضات ملکوتی است یا برساخت اجتماعی؟
- ۲-۳-۲. نسبت دین و فرهنگ
- ۴-۲. یکی دانستن یا ندانستن سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی مسلمانان
- ۵-۲. حکومت اسلامی یا حکومت مسلمانان
- ۱-۵-۲. فرهنگ سکولار و غیرسکولار
- ۶-۲. آزادی مشروع یا آزادی قانونی
- ۱-۶-۲. آزادی مطبوعات
- ۲-۶-۲. تقابل عملی و نظری در آزادی بیان
۳. دموکراتیزاسیون
- ۱-۳. امام-امت یا دولت-ملت
- ۱-۱-۳. ورود یا عدم ورود ولی فقیه در حکومت در عصر غیبت
- الف) تقابل عملی و نظری در ولایت مطلقه
- الف-۱) شأن حکومتی یا شأن نظارتی ولی فقیه
- ۲-۳. دموکراسی و بوروکراسی
- ۱-۲-۳. استفاده یا عدم استفاده از ابزارهای الزام در فرهنگ
- ۲-۲-۳. گفتمان سیاسی، امنیتی یا گفتمان جامعه‌شناختی در مدیریت فرهنگ
- ۳-۳. دولتی یا خصوصی
- ۱-۳-۳. وظیفه دولت نسبت به امور فرهنگی
- ۴-۳. کدام شکل از مناسبات دین و دولت

- ۳-۵. دموکراتیزاسیون فرهنگ یا فرهنگ بالا به پایین
- ۳-۵-۱. حقوق شهروندی بر مبنای حق طبیعی یا بر مبنای فطری
- ۳-۵-۲. جمهوریت یا اسلامیت
- الف) هنر یا هنرمند
- ۳-۵-۳. آرمان‌گرایی و نیازمحوری
- الف) نگاه سوسیالیستی و لیبرالیستی به مسائل فرهنگی
- ۳-۶. تنوع فرهنگی یا تک فرهنگی
۴. توسعه‌گرایی و مدرنیزاسیون
- ۴-۱. تکنوپولی یا حاکمیت فرهنگ بر ابزار
- ۴-۱-۱. سنت و تجدد
- ۴-۲. توسعه‌گرایانه یا شریعت‌مدارانه
- ۴-۲-۱. فرهنگ به‌مثابه ارزش فی نفسه توجیه‌کننده یا به‌مثابه ابزاری برای توسعه
- الف) عدالت اجتماعی یک صفت فردی یا یک صفت نهادی و ساختاری
- ۴-۲-۲. توسعه غربی یا پیشرفت اسلامی
- ۴-۲-۳. الگوی توسعه
۵. ملی‌گرایی
- ۵-۱. میراث فرهنگی یا فرهنگ معاصر
۶. اصلاحات اجتماعی و اقتصادی
- ۶-۱. بوروکراسی یا اعتماد حوزوی
- ۶-۱-۱. تقوا اولویت شایسته سالاری یا تخصص
- ۶-۲. کاهش یا افزایش جمعیت
- ۶-۳. جامعه‌گرایی یا فردگرایی
- ۶-۳-۱. ساختار عاملیت
۷. خانواده‌گرایی
- ۷-۱. کراهت یا وجاهت لذت‌گرایی جنسی
- ۷-۲. اخلاق مراقبت یا اخلاق عدالت محور
- ۷-۳. تقابل در نگاه اجتماعی و فردی نسبت به حدود و ثغور امور جنسی
- ۷-۳-۱. ترویج یا جلوگیری از ازدواج موقت
- ۷-۳-۲. تک همسری یا چند همسری

۷-۴. خانواده ایده آل اسلامی

## ۸. انقلابی‌گری

۸-۱. نهضت‌گرایی و نظام‌سازی

در این تحقیق، در مجموع ۷۷ موقعیت تقابلی استخراج شده که ۲۷ مورد آن به طور مستقیم در زیرمجموعه شریعت‌مداری قرار گرفته و ۵۰ مورد آن در هفت حوزه مرتبط با حوزه شریعت‌مداری قرار گرفته است.

از میان ۲۷ موقعیت تقابلی که مستقیم ذیل حوزه شریعت‌مداری قرار گرفته، شش موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، هشت موقعیت‌ساز پایه هرمنوتیکی و ۱۳ موقعیت تقابلی است. همچنین از میان ۵۰ موقعیت تقابلی که در هفت حوزه دیگر قرار گرفته، ۲۰ موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، ۲۰ موقعیت‌ساز پایه هرمنوتیکی و ۱۰ موقعیت تقابلی است.

## ۷. بررسی موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در «حیطه شریعت‌مداری»

حوزه شریعت‌مداری در مجموع از ۴۱۰ رابطه با موقعیت‌های تقابلی برخوردار است که ۱۶۸ رابطه مربوط به موقعیت‌های تقابلی ذیل این حوزه و ۲۴۲ رابطه مربوط به موقعیت‌های تقابلی موجود در زیرشاخه حوزه‌های دیگر می‌باشد. منظور از این روابط، روابطی است که در مرحله چهارم، مبتنی بر روش ISM برقرار شده و به دلیل جلوگیری از اطاله کلام، ماتریس تفصیلی آن ارائه نشده است. در ادامه با توجه به محدودیت ظرفیت مقاله، صرفاً موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در حوزه شریعت‌مداری، به طریق اختصار تبیین می‌شود.

## ۷-۱. تعبد و تعقل در فهم شریعت

این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، مجموعاً ۹۶ رابطه دارد که ۲۲ مورد آن مربوط به زیرشاخه‌های حوزه شریعت‌مداری و ۷۴ مورد آن مربوط به سایر حوزه‌هاست.

فقهاء حکم را دائرمدار حکمت آن ندانسته‌اند. هرچند این قاعده صحیح است؛ ولی بعد از آنکه مصالح یک حکم، به شکل حکمت برای عقل روشن شد آیا می‌توان آن مصالح و حکمت‌ها را نادیده گرفت؟ و پیروی از ظواهر دینی در جهت قربانی کردن مصالح و حکمت‌ها که از سوی عقل، یا شرع برای یک قانون، شناخته شده است، تا چه اندازه جایز است؟ چرا بعضی از فقهاء از جمله حضرت امام خمینی (الخمینی، ۱۳۹۷، ص ۴۰۶-۴۱۵)، چنگ زدن به تعبد را به جهت تجویز حيله، صحیح نمی‌شمارد و اجازه از بین رفتن حکمت حرمت ربا (ظلم) را با تغییر عنوان و کاربری حيله نمی‌دهد؟ و بعضی اجازه می‌دهند؟ (لطفی، ۱۳۹۷).

تاریخ‌تطور معارف اسلامی و از جمله فقه، گویای ظهور دو رویکرد «عقل‌گرایی» و «تعبدگرایی» در فهم دین و شریعت است. این دو گرایش، مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری مذاهب و مکاتب گوناگون کلامی و فقهی بوده‌اند (امامی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۵-۱۹۲).

ذیل این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، چهار موقعیت هرمنوتیکی پایه و نیز سه موقعیت تقابلی وجود دارد که عناوین آن در فهرست موقعیت‌های تقابلی بیان شد.

## ۷-۲. رابطه همسازی اخلاق و فرهنگ یا رابطه آمرانه اخلاق و فرهنگ؟

این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، مجموعاً ۱۱۰ رابطه دارد که ۲۴ مورد آن مربوط به زیرشاخه‌های حوزه شریعت‌مداری است و ۸۶ مورد آن مربوطه به سایر حوزه‌هاست.

بعضی بر این باورند که جهت‌آمریت در هر سویی قرار بگیرد مخرب است. اگر در جامعه‌ای اخلاق بر آن باشد که تمام ضوابط اخلاقی را تعیین کند، آن جامعه بدون شک نه فقط دچار فروپاشی فرهنگی، بلکه دچار فروپاشی اخلاقی نیز خواهد شد، برعکس، اگر در جامعه فرهنگ خواسته باشد به هر شکل و در هر چارچوب و زمان و مکانی با تکیه بر اصل آفرینش فرهنگی، اخلاق را نادیده بگیرد، بی‌شک با واکنش شدید اجتماعی‌ای مواجه خواهد شد که نه تنها به بازتولید وسیع اخلاق نفی شده منجر خواهد شد، بلکه خود آن آفرینش و خلاقیت‌ها را نیز تا حد نابودی پیش خواهد برد و شرایط بازگشت آنها را شاید برای مدت‌هایی طولانی غیرممکن کند (فکوهی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۷-۲۱۹).

بدین ترتیب، پیدا کردن رابطه‌ای منطقی و متعادل میان اخلاق و فرهنگ، یکی از مهم‌ترین وظایفی است که بر دوش سیاست‌گذاران و نخبگان اجتماعی سنگینی می‌کند، چه برای کسانی که بیشتر نماینده اخلاق در جامعه خود هستند و چه برای کسانی که در سویه فرهنگ قرار می‌گیرند.

اشتباه در این زمینه عموماً با پیامدهای بسیار سخت و بلندمدتی همراه است.

این بحث در اسناد بالادستی به دو شکل مطرح شده است. به‌عنوان مثال، در سند اصول سیاست فرهنگی کشور، بخش نکات بر اصالت داشتن ارزش‌های اخلاقی تأکید می‌شود، ولی در بند ۲۱ اصول، بر تقدم قوانین تأکید می‌شود. گرچه در مقام نظر چندان مشکل خاصی احساس نشود، ولی در تفسیر عملی از این دو عبارت و عبارت‌های مشابه اینها، نابسامانی‌های فراوانی در بخش‌های مختلف نظام، به‌انحای مختلف وجود داشته و دارد. از آن جمله می‌توان به شاخص‌های جذب نیروی انسانی در دستگاه‌های مختلف نظام، شاخص‌های انتصاب مدیران، شاخص‌های کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس و شوراها، مواجهه با پدیده‌های

مفّرَح (در رسانه‌ها، پارتی‌ها، جشن‌های مذهبی، جشن‌های عروسی و...)، مُد و انواع و اقسام سلبریتی‌ها و... اشاره کرد که اخلاق جنبه آمرانه نسبت به فرهنگ پیدا کرده است. ذیل این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، دو موقعیت هرمنوتیکی پایه و نیز چهار موقعیت تقابلی وجود دارد که عناوین آن قبلاً در فهرست موقعیت‌های تقابلی ذکر شد.

### ۷-۳. فقه فردی و فقه حکومتی

این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، مجموعاً ۳۷ رابطه دارد که ۱۰ مورد آن مربوط به زیرشاخه‌های حوزه شریعت‌مداری و ۲۷ مورد آن مربوط به سایر حوزه‌های دیگر است. تتبع در کتاب‌های فقهی و تأمل در اندیشه فقیهان این واقعیت را نشان می‌دهد که دو نوع نگاه به فقه شده است، یا دو گونه انتظار از فقه وجود دارد. در یک نگاه، فقیه درصدد است تا وظایف افراد مسلمان را روشن کند و مشکلاتی را که در مسیر اجرای احکام پیش می‌آید، مرتفع سازد. در نگاه دیگر افراد به جز هویت فردیشان، تشکیل‌دهنده یک هویت جمعی به نام جامعه نیز می‌باشند که این هویت جمعی نیز موضوع احکامی است (مهریزی، ۱۳۸۹). آن وقت مسئله‌ای به نام «فقه حکومتی» در مقابل «فقه فردی» معنا می‌یابد. «فقه حکومتی» اصطلاحی برای نگاه دوم است، چنان‌که می‌توان از نگاه نخست به «فقه فردی» یاد کرد.

شیعیان در طول تاریخ، بنا به دلایل مختلف، فرصت چندانی برای حکومت‌داری نداشته‌اند. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و ایجاد فرصت و شرایط مناسب برای برقراری حکومتی شیعی، انقلابیون را در بهره‌گیری از دستاوردهای فقهی با چالشی جدی مواجه ساخت. چراکه اغلب آن، ناظر به مسائل فردی بود و در حوزه حکومت‌داری، دستاوردهای کمی وجود داشت. این شرایط علی‌رغم تلاش‌هایی که در چهاردهه گذشته صورت گرفته، همچنان ادامه دارد. به‌عنوان مثال، اولین آثار در خصوص فقه‌الاداره و نیز درس خارج «فقه‌الاداره» (قوامی، ۱۳۹۴) چند سالی است که تولید و به راه افتاده و هنوز به اذعان مدرس آن، دستاوردهای چندانی در آن مشاهده نمی‌شود. در حوزه اقتصاد اسلامی، نظریه عملیاتی و قابل‌قبولی همچنان وجود ندارد. در حوزه‌های دیگر مثل امنیت، فرهنگ، سیاست، عدالت و... نیز اوضاع به همین شکل است. معدود مباحث نظری مطرح شده است؛ ولی در فرایند سیاست‌گذاری، اثری از آن نیست.

مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد این است که، التفات نداشتن به خاستگاه مسائل فرهنگی که به طور عمده مستلزم بهره‌گیری از حوزه فقه حکومتی است، دارای ابهامات، تقابل‌ها و چالش‌هایی است که نمی‌توان مبتنی بر فقه فردی یا اعمال سلیقه سیاست‌گذاران و مدیران دولتی رفع کرد.



در زیرشاخه این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، یک موقعیت پایه هرمنوتیکی قرار گرفته با عنوان «مصلحت نظام یا احکام شرع» که در اینجا مجال توضیح و تبیین آن نیست.

#### ۴-۷. هنر ارزشی و هنر عام

این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، در مجموع ۴۳ رابطه دارد که ۱۷ مورد آن مربوط به زیرشاخه‌های حوزه شریعت‌مداری و مابقی مربوط به سایر حوزه‌ها می‌باشد.

دیدگاه امام خمینی به هنر، یک نگاه کاملاً ارزشی و با رویکرد استکبارستیزی است (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲). اما مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد، تقابل در «هنر به‌مثابه ابزار سرگرمی و ابتهاج» و «هنر به‌مثابه یک امر متعالی» است. موضع‌گیری نکردن سیاست‌گذار فرهنگی در خصوص سرگرمی و ابتهاج و نیز حدود و ثغور آن، امر هنر را نیز با سردرگمی مواجه کرده است. انبوه آثار موسیقایی، سینمایی، شعر، داستان و... که درگیر اخذ مجوزات لازم از نهادهای مربوطه هستند و ورشکستگی و دل‌سردی بسیاری از هنرمندان در این فرایندهای کاملاً سلیقه‌ای، خود گویای میزان توفیقات جمهوری اسلامی در مواجهه با هنر و هنرمندان است. این موضوع، تا حدی، سیاسی شده است که حل آن، یکی از شعارهای برخی از کاندیداهای ریاست جمهوری (مهدوی، ۱۳۹۶) نیز شده است.

در واقع سیاست‌گذار فرهنگی در مقام تصمیم‌گیری و انتخاب سیاست‌های هنری، با پیچیدگی‌های فراوانی مواجه است که اولاً تشخیص هنر ارزشی یا هنر عام را بسیار مشکل می‌کند و ثانیاً چنانچه بتواند هنر ارزشی را به خوبی تشخیص دهد، با این سؤال مواجه می‌شود که آیا خواست و کشش جامعه هم به سمت آنها هست یا نه؟

در این حالت، سؤالی که اساس این تقابل را شکل داده این است که در صورت بروز چنین مشکلی، با توجه به وجود رقبای برون‌مرزی، سیاست‌گذار، به سمت مصلحت‌ها، منافع و اهداف حرکت کند یا به سمت ارزش‌های اخلاقی؟

در بررسی اسناد بالادستی، عمده اسناد ملتفت ارزش‌ها هستند. روح حاکم بر اسناد بالادستی خصوصاً سند اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، توسعه و ترویج هنر ارزشی است. لیکن امروزه توسعه کمی و کیفی انواع و اقسام هنرها و فرایندهای مختلف در ترویج آن وجود دارد که هیچ یک ارتباطی به مسائل ارزشی ندارند.

در زیرشاخه این موقعیت پایه هرمنوتیکی، دو موقعیت تقابلی قرار گرفته که در فهرست موقعیت‌های تقابلی ذکر شد.

#### ۷-۵. حدود و ثغور شادی حقیقی و لهو و لعب

این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، مجموعاً ۹۵ رابطه دارد که ۲۲ مورد آن مربوط به زیرشاخه‌های حوزه شریعت‌مداری و مابقی مربوط به سایر حوزه‌ها است.

در اسناد بالادستی، موضع‌گیری ویژه‌ای نسبت به شادی و نُزْهت و نیز شیوه تحقق آن نشده است. مسائلی که در مقام سیاست‌گذاری در اینجا مطرح است، عبارتند از: میزان شادی که در سطح جامعه باید باشد چقدر است؟ نوع آن چیست؟ چگونگی تحقق آن و اسباب و لوازم آن چیست؟ و سؤالاتی از این دست. چنانچه در تولید و ساخت برنامه‌های شاد مثل خندوانه (جوان، ۱۳۹۶)، دورهمی (مدیری، ۱۳۹۶)، سریال‌های طنز، انواع و اقسام کنسرت، شیوه برگزاری عروسی‌ها، جشن‌های مذهبی و... همواره تقابل گروه‌های مختلف اجتماعی و دستگاه‌های حکومتی وجود دارد.

همچنین در زیرشاخه این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، یک موقعیت پایه هرمنوتیکی با عنوان «توسعه موسیقی یا تحدید موسیقی» و نیز یک موقعیت تقابلی قرار گرفته با عنوان «موسیقی یک مسئله فرهنگی یا سیاسی» که این موضوع، خود به یکی از چالش‌های مهم نظام سیاست‌گذاری فرهنگی مبدل شده است. در واقع، اکثر شادی‌ها، به نوعی با موسیقی گره خورده است و خود موسیقی نیز مستقلاً یک بلا تکلیفی تمام عیار به لحاظ فقهی است (ماهنامه رسائل، ۱۳۹۵).

#### ۷-۶. تقابل در اجباری یا غیراجباری بودن حجاب

این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، مجموعاً ۲۹ رابطه دارد که پنج مورد آن مربوط به زیرشاخه‌های حوزه شریعت‌مداری است. ۱۳ مورد آن رابطه با سایر موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در حوزه‌های دیگر است. ۱۱ مورد آن نیز، رابطه با موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی در سایر حوزه‌ها است.

بعضی بر این باورند که هر اندازه استفاده از ابزارهای الزام مستقیم‌تر باشد، میزان تأثیرگذاری و کارایی آنها در کوتاه‌مدت بیشتر و در میان و بلندمدت کمتر و حتی منجر به نابودی سیستم نیز خواهد شد. فرهنگ در این میان، شرایط حساس‌تر و مهم‌تری دارد که بی‌توجهی به آن، خطرات بیشتری را به همراه دارد (فکوهی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۶-۲۰۸).

حجاب، دستوری قرآنی و تکلیفی دینی است که مخاطبان آن اصالتاً مکلفان هستند، لیکن ماهیت این حکم، اجتماعی است و از این‌رو رعایت یا عدم رعایت آن بروز و ظهور اجتماعی می‌یابد (سروش، ۱۳۷۸، ص ۱۷۴-۱۷۵). حجاب، فراتر از ادای تکلیف توسط مؤمنان، هنجاری لازم‌الاجرا در جامعه دینی است (سعیدی، ۱۳۹۷، ص ۵۸۱۶).

مخالفت بعضی مخالفان دخالت حکومت در این زمینه نیز، از منظر حکومتی و سیاست‌گذارانه است، از این رو معتقدند پیشگیری از بی‌حجابی فاقد سابقه فقهی و تاریخی است و سیره معصومانی که حکومت تشکیل داده بودند، الزام حکومتی حجاب نبوده است و آنان به تذکار و ارشاد بسنده می‌کرده و هیچ‌گاه برای بی‌حجابی حکم کیفری صادر نکرده‌اند (فقیه شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۱).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بحث الزامی شدن رعایت حجاب از سوی زنان در جمهوری اسلامی ایران مطرح شد و بر پایه این دیدگاه فقهی که مخالفت عملی با حکم حجاب می‌تواند مشمول کیفر تعزیر باشد (گلیایگانی، مجمع المسائل، ۱۳۶۴، ص ۲۱۰-۲۱۱)، در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی برای آن ضمانت اجرایی کیفری مقرر شد (هاشمی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲-۱۵۵). در واقع، عمده اسناد بالادستی و قانونی، در تشبیه بی‌حجابی است تا تحریض به حجاب.

مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد اینکه سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در موضوع حجاب، در طول چهار دهه گذشته، موفق نبوده و همواره شرایط حجاب و پوشش جامعه، چه در نزد زنان و چه مردان، نامناسب‌تر می‌شود.

در چنین شرایطی اگر با یک نگاه هابرماسی (Habermas, 1989) به موضوع نگریسته شود، آیا واگذاری برخی از امور مانند حجاب، به سیستم‌ها صحیح است؟ یا اینکه در زیست‌جهان مربوطه، مسائل به راحتی قابل حل است؟

هر چند پاسخ بعضی از پرسش‌ها، به جهت نظری و اسنادی مبرهن است؛ اما آنچه بالفعل در چرخه متکامل سیاست‌گذاری حاصل می‌شود، در تخالف با آن است. همچنین ناپایایی یا بی‌ثباتی در بعضی مواضع، مخاطره‌آمیزتر از وضعیت قبلی است. مبتنی بر دیدگاه سیاست‌گذارانه‌ای که بر این تحقیق حاکم است، پژوهشگر در مقولات نظری و اسنادی مقید نشده است.

## ۸. جمع‌بندی

بی‌ارتیاب‌اثر بخشی سامانه سیاست‌گذاری فرهنگی، منوط به دریافت صواب‌اهل آن از مسائل و راه‌چاره آن است. چراکه دریافت متفاوت یا ناصواب سیاست‌گذار از یک مسئله و نیز راهکار آن، واگرایی موقعیت هرمنوتیکی وی را با دیگر سیاست‌گذاران به همراه خواهد داشت.

استحصالی و تبیین آنچه که سیاست‌گذاران و مدیران را به اتخاذ مواضع سلسله‌وار (آگاهانه یا ناآگاهانه) راغب می‌نماید، مراد این تحقیق بود که تحت عنوان موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی واکاوی شد. در این بررسی تلاش شد اهم موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی در حیطه شریعت‌مداری استخراج و صورت‌بندی شود و سیاست‌گذاران و مدیران فرهنگی را به منظور عزیمت برای

تمهیدگری ترغیب نماید. از این رو در یازده گام، موقعیت‌های تقابلی و هرمنوتیکی در حیطه شریعتمداری استحصال و عرضه داشته شد و بعد از آن به اختصار شش موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی و هشت موقعیت پایه هرمنوتیکی بررسی و توضیح داده شد. همچنین عناوین ۱۳ موقعیت تقابلی در این حیطه شناسانده شد. در حقیقت این تلاش، خطوه‌ای بدوی و مزجات در بازشناسی اهمّ موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حیطه شریعتمداری است که به منظور اکمال این خط سیر، توصیه می‌شود مستغنی از پدیدآوری سند یا توزیع کار، دستگاه‌های فرهنگی، به‌ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی این مهم را در تقدم و جدول زمانی خود قرار داده و نسبت به مرتفع ساختن مسائل هرمنوتیکی اقدام نمایند. بی‌شک فیصله عمده مسائل، افزون بر تبیین نظری و سندی، محتاج طرح‌ریزی و تحکیم فرایند متکامل سیاست‌گذاری است.

## منابع

## کتاب فارسی

۱. الوانی، سیدمهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۸۶)، فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۳)، درآمدی بر نظریه فرهنگی، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: جامعه‌شناسان.
۴. بدیعی، محمد (۱۳۸۵)، معنویت تشیع، مقدمه حسن‌زاده آملی، قم: تشیع.
۵. بوطی، محمد و سعید رمضان (۱۳۸۴)، مبانی، ضوابط و جایگاه مصلحت در اسلام، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات گام‌نو.
۶. بنیانیان، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ و توسعه: خط‌مشی‌گذاری برای تقویت فرهنگ توسعه در ایران، تهران: امیرکبیر.
۷. بهادری، افسانه (۱۳۷۶)، درآمدی بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
۸. پارسونز، واین (۱۳۸۵)، مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، ج ۱، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
۹. پرکان، حسین (۱۳۹۷)، «صورت‌بندی و تحلیل موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر حوزه خانواده»، پایان‌نامه دکتری، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع)، دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری.
۱۰. پهلوان، چنگیز (۱۳۹۰)، فرهنگ‌شناسی: گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران: نشر قطره.
۱۱. پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۳)، رابطه منطقی دین و علوم کاربردی، انتشارات فردا.
۱۲. خاشعی، وحید (۱۳۹۰)، طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی، تهران: دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی).
۱۳. الخمنی، سیدروح‌الله، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۰۶-۴۱۵، دسترسی در ۱۴/۶/۱۳۹۷:

۱۴. خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۶)، اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی: رویکردی نو و کاربردی، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه دانش.
۱۵. دانایی‌فرد، حسن؛ سیدمهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۷)، روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: صفار.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۲۵۸، ماده «شع»، دسترسی در ۱۳۹۷/۶/۱۴:
- <http://lib.eshia.ir/15362/1/258>
۱۷. ریکور، پل (۱۳۹۳)، درباره ترجمه، ترجمه مدیا کاشیگر، تهران: نشر افق.
۱۸. سرل، جان، آر. (۱۳۸۲)، ذهن، مغز و علم، ترجمه: امیر دیوانی، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
۱۹. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸)، بسط تجربه نبوی، تهران: صراط.
۲۰. سروش، محمد (۱۳۷۸)، دین و دولت در اندیشه اسلامی، قم: بوستان کتاب.
۲۱. سعیدی، فریده، حجاب، دانشنامه جهان اسلام، مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ص ۵۸۱۶، دسترسی در ۱۳۹۷/۶/۱۴:
- <http://lib.eshia.ir/23019/1/5816>
۲۲. شافریتز، جی. ام و کریستوفر پی. بریک (۱۳۹۰)، سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۳. صالحی امیری، سیدرضا و الهه حیدری‌زاده (۱۳۸۹)، ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی در برنامه‌های توسعه: مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۲۴. الصدر، محمدباقر (۱۴۱۱ق)، اقتصادنا، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۱ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، منشورات اسماعیلیان.
۲۶. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، فقه و عقل، اول، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۲۷. غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۲)، سیاست‌گذاری اقتدارگرایانه و دموکراتیک فرهنگی: طرحی برای یک الگوی جانشین، مرکز بازشناسی اسلام و ایران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۸. فاضلی، نعمت‌الله و مرتضی قلیچ (۱۳۹۲)، نگرشی نو به سیاست فرهنگی: سیاست فرهنگی از دیدگاه مطالعات فرهنگی، چاپ اول، نگاشت شهر فرهنگ و اجتماع، تهران: انتشارات تیسرا.
۲۹. فقیه شیرازی، محسن (۱۳۸۰)، نقد مقاله حبل المتین، ج ۱، ص ۲۷۱، در رسول جعفریان، رسائل حجابیه، دفتر ۱، قم: نشر دلیل ما.

۳۰. فکوهی، ناصر (۱۳۹۴)، صد و یک پرسش از فرهنگ: کتاب انسان شناخت (اول)، تهران: انتشارات تیسرا.
۳۱. قوامی، سیدمصمصام‌الدین (۱۳۹۴)، فقه‌الاداره، ج ۱ و ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۲. کاوسی، اسماعیل و فرزانه چاوش باشی (۱۳۸۹)، «دولت و برنامه‌ریزی فرهنگی»، مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۳۳. گروهی از مؤلفین، المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۴۷۹، ماده «شرع»: «مورد الماء الذی یستقی منه بلا رشاء»، دسترسی در ۱۳۹۷/۶/۱۴:
- <http://lib.eshia.ir/40678/1/479>
۳۴. گلپایگانی، محمدرضا (۱۳۶۴)، مجمع المسائل، ج ۳، قم: دارالقرآن الکریم، ص ۲۱۰-۲۱۱، ج ۲.
۳۵. گوییگان، جیم مک (۱۳۸۸)، بازاندیشی در سیاست فرهنگی، ترجمه نعمت‌الله فاضلی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳۶. لطفی، اسدالله، «تعقل و تعبد در احکام شرعی»، کتاب فقه، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ج ۷، دسترسی در ۱۳۹۷/۶/۱۴:
- <http://lib.eshia.ir/10257/7/8>
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، دسترسی در ۱۳۹۷/۶/۱۴:
- <http://lib.eshia.ir/27583/1/43>
۳۸. مصباح یزدی؛ محمدتقی و محمدحسین اسکندری (۱۳۹۷)، اخلاق در قرآن، ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، مرکز انتشارات.
۳۹. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۸ق)، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، قم: مرکز العالمی الدراسات الاسلامیه.
۴۰. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۲)، کلمات قصار امام خمینی، پندها و حکمت‌ها.
۴۱. نواب، سیدمحمدحسین؛ مهدی همازاده و هادی جهانگشای اباجلو (۱۳۹۵)، مجموعه مقالات فقه هنر، زیر نظر: ابوالقاسم علیدوست، مدرسه اسلامی هنر.
۴۲. هاولت، مایکل، ام پرل رامش و آنتونی پرل (۱۳۹۴)، مطالعه خط‌مشی عمومی، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
۴۳. واعظی، احمد (۱۳۹۳)، درآمدی بر هرمنوتیک، چاپ هفتم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، نظریه تفسیر متن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۵. یوسفی مقدم، محمدصادق (۱۳۹۱)، پژوهشی در غنا (از نگاه قرآن و روایات تفسیری)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، فقه قرائت (فقه ادا و فقه موسیقی ادا)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

### مقالات و سایر منابع فارسی

۴۷. آذر، عادل و کریم بیات (۱۳۸۷)، «طراحی مدل فرایند محوری کسب و کار با رویکرد مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM)»، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت فناوری اطلاعات، دوره اول، ش ۱، ص ۳-۱۸.
۴۸. امامی، مسعود (۱۳۸۵)، «جدال تعبد و تعقل در فهم شریعت ۱»، فقه اهل بیت (ع)، ش ۴۶، ص ۱۵۵-۱۹۲.
۴۹. تقوی، سیدمرتضی (۱۳۷۴)، «جایگاه فقه در اندیشه دینی»، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، ش ۲، قم.
۵۰. جوان، رامبد (۱۳۹۶)، خندوانه، برنامه تلویزیونی (هر شب)، شبکه نسیم، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۵۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۰)، «کتابشناسی حجاب»، آینه پژوهش، ش ۶۹.
۵۲. حاجیان، ابراهیم (۱۳۹۱)، «رویکرد ماتریسی در برنامه‌ریزی فرهنگی»، در مجموعه مقالات همایش ماتریس فرهنگی: مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر تهران (ماتریس فرهنگی)، ج ۱، تهران: انتشارات تیسرا، ص ۱۳۷-۱۹۸.
۵۳. حسینی، علییار (تابستان و پاییز ۱۳۸۷)، «عرفان شریعت‌گرا و شریعت‌گریز»، کتاب نقد، ش ۴۶ و ۴۷، ص ۲۰۷-۲۳۰.
۵۴. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۳)، «گونه شناسی ارتباط دین و سیاست در اندیشه سیاسی شیعه»، نامه مفید، ش ۴۴.
۵۵. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۱)، «رویکردهای گستره شریعت»، رواق اندیشه، ش ۸.
۵۶. رهدار، احمد (۱۳۸۸)، «حجاب عقلانی و عقلانیت حجاب»، پگاه حوزه، ش ۲۶۷.
۵۷. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷)، دین اقلی و اکثری، ش ۴۱، کیان.
۵۸. سیدعرب، حسن (دی ۱۳۷۷)، «شریعت عقل، کتاب ماه ادبیات و فلسفه»، ش ۱۵.
۵۹. صادقی رشاد، علی‌اکبر؛ محمد رجبی؛ حبیب‌الله آیت‌اللهی و محمدرضا اسدی (۱۳۸۱)، «جایگاه هنر در گستره شریعت»، سروش اندیشه، ش ۲.



۶۰. طبرسا، غلامعلی (۱۳۸۲)، «تبیین چالش‌های فراروی سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ»، تهران: مجموعه مقالات همایش سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز، مرکز بازشناسی اسلام و ایران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ص ۸۹-۱۰۱.
۶۱. عابدی جعفری، حسن؛ محمدسعید تسلیمی؛ ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ‌زاده (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۲ (پیاپی ۱۰)، ص ۱۵۱-۱۹۸.
۶۲. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۴)، «فقه و مقاصد شریعت»، مجله فقه اهل بیت، ش ۴۱.
۶۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، «گستره شریعت»، قیسات، ش ۳۰ و ۳۱.
۶۴. فاضل میبدی، محمدتقی (زمستان ۱۳۷۶)، «شریعت و مصلحت»، نامه مفید، ش ۱۲.
۶۵. فخار طوسی، جواد (۱۳۸۰)، «شریعت، قانون، جوانان»، تربیت اسلامی، ش ۶.
۶۶. فخار طوسی، جواد (۱۳۹۶)، «رابطه فقه و اخلاق و طرح دیدگاه امام علیه السلام»، مجموعه آثار کنگره اندیشه‌های اخلاقی-عرفانی امام خمینی علیه السلام، جلد ۸ مقالات اخلاقی (۱)، ص ۳۴۲-۳۸۲.
۶۷. فیروزجائیان، علی اصغر؛ مجتبی فیروزجائیان؛ سیدحمید هاشمی پطروودی و فاطمه غلامرضازاده (۱۳۹۲)، «کاربرد تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) در مطالعات گردشگری: تحلیلی با رویکرد آسیب‌شناسانه»، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، دوره دوم، ش ۶، ص ۱۲۹-۱۵۹.
۶۸. کرباسیان، مهدی؛ اعظم خبوشانی؛ محمد جوانمردی و سیدمحمود زنجیرچی (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، «کاربرد مدل (ISM) جهت سطح‌بندی شاخص‌های انتخاب تأمین‌کنندگان چابک و رتبه‌بندی تأمین‌کنندگان با استفاده از روش TOPSIS-AHP فازی»، مجله علمی-پژوهشی مدیریت تولید و عملیات، سال دوم، ش ۲، ص ۱۰۷-۱۳۵.
۶۹. کمالی، محمد؛ هاشم رضایی و محمدسعید کاشانی (۱۳۸۱)، «سیاست شرعی یا تدابیر حکومت اسلامی»، خبرنامه دین‌پژوهان، ش ۱۲، قم: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (دبیرخانه دین‌پژوهان).
۷۰. گودرزی، زهرا (۱۳۸۶)، «حجاب، شریعت، جامعه»، ش ۲۵، حوراء.
۷۱. مدیری، مهران، دوره‌می (۱۳۹۶)، برنامه تلویزیونی (شب‌های پنجشنبه، جمعه و شنبه)، شبکه نسیم، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۷۲. موسیقی در برزخ، ماهنامه رسائل؛ اندیشه حوزه علمیه عصر انقلاب، ش ۳، بهمن ماه ۱۳۹۵، ص ۱۰۳-۱۰۳.

۷۳. مهدوی، رضا، نقدی بر اظهارات کاندیداهای انتخابات درباره موسیقی، ۱۳۹۶/۲/۱۸، خبرگزاری ایسنا، دسترسی در ۱۳۹۷/۶/۱۴:  
<https://www.isna.ir/news/96021710804>
۷۴. مهریزی، مهدی (۱۳۸۹)، «فقه حکومتی»، مجله نقد و نظر، ش ۱۲.
۷۵. ویکی فقه، شریعت، دسترسی در ۱۳۹۷/۶/۱۴: <http://wikifeqh.ir>
۷۶. هاشمی، حسین (پاییز ۱۳۸۶)، «نقدی بر ماده ۶۳۸ در جرم‌انگاری بدحجابی»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۷، ص ۱۳۳-۱۶۰.
۷۷. یوسفی‌نژاد، سامان (تابستان ۱۳۸۶)، «مصلحت و شریعت»، فروغ وحدت، ش ۸.
۷۸. یشربی، سیدیحیی (۱۳۸۴)، «جایگاه شریعت در قلمرو عرفان»، فصلنامه کتاب نقد، ش ۳۵، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

#### کتاب انگلیسی

79. Boyatzis, Richard E. Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development, Sage Publications, 1998.
80. Cochran, Charles L. and Eloise F. Malone. Public policy: Perspectives and choices. 3. ed. Boulder, Colorado: Lynne Rienner, 2005.
81. Dye, Thomas R. Understanding public policy. 14 ed., internat. ed. Boston, Mass. [u.a.]: Pearson, 2013.
82. Gadamer, Hans-Georg. Truth and Method (Continuum Impacts), 1st ed. Continuum, 2004.
83. Habermas, Jürgen. The theory of communicative action: A critique of functionalist reason. Boston: Beacon Press, 1989.
84. Matarasso, François and Charles Landry, Balancing act: twenty-one strategic dilemmas in cultural policy. vols4. Belgium: Council of Europe Publishing, 1999.
85. Mayers, James and Stephen Bass, eds, Policy that works for forests and people: Real prospects for governance and livelihoods. Sterling, VA: Earthscan, 2004.
86. Medawar, Peter B, Induction and Intuition in Scientific Thought, Taylor & Francis, 2013.
87. Palmer, Richard E. Hermeneutics: Interpretation theory in Schleiermacher, Dilthey, Heidegger, and Gadamer. [Reprinted 2000], Northwestern University studies in phenomenology & existential philosophy. Evanston [Ill.]: Northwestern University Press, 2000.

88. Shafritz, Jay M. and Christopher P. Borick. *Introducing public policy*, New York [u.a.]: Pearson Longman, 2008.

#### مقالات انگلیسی

89. Braun, Virginia and Victoria Clarke, Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2). 2006, pp. 77-101". available online at: <http://www.informaworld.com/smpp/content~db=all~content=a795127197~frm=titlelink>.
90. Kannan, G., Pokharel, Sh. and Sasi Kumar, P. A hybrid approach using ISM and fuzzy TOPSIS for the selection of reverse logistics provider, *Resources, Conservation and Recycling*, 54 (1), 2009: 28-36.
91. Warfield, John, N. "Developing Interconnection Matrices in Structural Modeling", *IEEE Transactions on Systems, Man, and Cybernetics SMC-4*, no.1, 1974: 81-87. doi:10.1109/TSMC.1974.5408524.